

میزگرد

تبیین جایگاه شوراهای اسلامی روستایی، وظایف، انتظارات و... و نقش آن در توسعه روستایی

● قسمت اول

تنظیم: لیلا قاسمی‌نیا

اشاره:

بدون تردید بحث مدیریت روستایی، از بنیادی‌ترین و بحث‌انگیزترین مباحث ادبیات توسعه روستایی محسوب می‌گردد. در ادامه روند تحولات نظام تصمیم‌گیری در عرصه روستا و با برگزاری انتخابات شوراهای اسلامی روستایی، شاهد تحولی دیگر در شیوه مدیریتی روستا مبتنی بر مشارکت مستقیم مردم هستیم. نظر به اهمیت موضوع و نقش سازنده دیدگاه‌های مبتنی بر علم و تجربه، نشریه جهاد بنا بر رسالت خود در نشر و ترویج مبانی علمی و عملی توسعه روستایی، اقدام به برگزاری میزگرد تخصصی در زمینه جایگاه، انتظارات و وظایف شوراهای اسلامی روستا نموده است. امید که نتایج حاصل از ارائه دیدگاه‌های صاحب‌نظران در این میزگرد، مورد توجه مخاطبین مجله بویژه مسئولان ذی‌ربط واقع شود. همچنین لازم است از زحمات آقای مهندس قرشی که به عنوان مجری میزگرد، اداره این نشست تخصصی را به عهده داشتند تشکر و قدردانی به عمل آید.

اعضای میزگرد:

- ۱- دکتر عمادی: معاون ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی
- ۲- دکتر شهبازی: استاد دانشگاه تربیت مدرس
- ۳- دکتر سام‌آرام: استاد دانشگاه علامه طباطبایی
- ۴- دکتر مهربانی: استاد دانشگاه تهران

طبیعی است که چالش‌هایی هم داشته باشد، لذا جایگاه این مولود جدید، نیازمند بررسی و تبیین است.

شایان ذکر است که بخش عمده‌ای از وظایف شوراهای اسلامی روستایی، معطوف

نظام تصمیم‌گیری جدیدی به نام "شوراهای اسلامی" با وظایف و انتظارات ویژه و مشخص متولد خواهد شد. از آنجایی که روش تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری شورایی در جامعه اسلامی ما، جدید خواهد بود،

مهندس قرشی (مجری میزگرد): در آستانه هفتم اسفندماه، روزی که برگ جدیدی از حضور و مشارکت مردم در صحنه‌های تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری ورق خواهد خورد، قرار داریم. در این روز ان‌شاءالله، نظام مدیریتی و

به "توسعه روستایی" خواهد بود که توجه به آن بخصوص در زمینه مسائل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و مدیریت روستا از وظایف مهم جهاد سازندگی می‌باشد و قانون برای آن وظایف روشن و مشخصی را ارائه داده است.

هدف از این نشست، این است که هم از نظرهای استادان محترم بهره‌مند شویم و هم کارشناسان و علاقه‌مندان بتوانند سوالاتی را که برایشان مطرح است، در جمعی دوستانه و مطبوعاتی طرح کرده و مورد بحث و بررسی قرار دهند و این دیدگاهها از طریق مجله جهاد در اختیار مخاطبان گذاشته شود.

قبل از اینکه وارد بحث شویم، از جناب آقای دکتر شهبازی، جناب آقای دکتر سام آرام و جناب آقای دکتر عمادی خواهش داریم که دیدگاههای خود را در زمینه شوراهای اسلامی روستایی و نظام مدیریتی در روستا ارائه نمایند.

دکتر سام آرام: بسم الله الرحمن الرحيم، از مسئولین محترم این میزگرد که فرصت مناسبی را فراهم کردند تا در این مرحله از تحول در نظام مدیریت روستایی، مطالبی مطرح شود، تشکر می‌کنم. موضوع شوراهای اسلامی روستایی، بحث جدیدی نیست، بلکه قبل از انقلاب، "شورای انجمن" و بعد از انقلاب نیز "شوراهای اسلامی روستایی" توسط جهاد سازندگی به وجود آمد و به عقیده من فعالیت‌های خوبی هم داشته‌اند و هنوز هم به نحوی به کار خویش ادامه می‌دهند. آنچه اکنون مطرح است، اجرای آن به صورت قانونی توسط وزارت کشور، بر اساس اصل قانون اساسی است. به هر حال موقعیت مطلوب و مبارکی است. آنچه در مورد شوراهای اسلامی روستایی ضروری و مهم است، "توسعه پایدار مشارکت مردم" است. ما برای اینکه به "توسعه پایدار" برسیم باید در جامعه روستایی، "توسعه فرهنگی" داشته باشیم. یکی از شاخصهای مهم در توسعه

فرهنگی، "مشارکت مردم در امور مربوط به خودشان" است. امید آنکه با فرصتی که فراهم شده است، این مشارکت به وجود آید. لازمه اینکه مشارکت مردمی ایجاد شود، این است که قانون خوب اجرا شده و صحیح مدیریت شود.

دکتر شهبازی: بسم الله الرحمن الرحيم، ضمن تشکر از دوستان که مقدمات تشکیل این جلسه را ترتیب دادند. قابل ذکر است که متأسفانه باز هم روستاییان در این مورد تا حد زیادی محروم مانده‌اند. چرا که طی چند سال اخیر مباحث اجتماعی زیادی توسط دستگاهها و سازمانهای اداری و ستادی برای توسعه روستایی مطرح و تشکیل شده است. در حالی که جهاد سازندگی که متولی توجه به روستاییان این کشور است، در این مورد کمتر پیشقدم بوده است. به عقیده من این گونه جلسه‌ها و بحثهای آن راهبردی برای توسعه روستایی است و هر قدر بیشتر باشد، مفیدتر و مؤثرتر است.

به نظر من یکی از اقدامهای بسیار اساسی برای نظم بخشیدن به مشارکت مردم در جریان توسعه روستایی، تشکیل شوراهاست. اما نحوه کارایی و دیدگاه تشکیلات دولتی در مورد آن جای بحث و بررسی دارد. امید آنکه در مرحله اجرا و عمل اشکالی پیش نیاید که احساس شود شوراهای اسلامی روستایی همان دفاتر (اداره‌های) کوچک دولتی هستند که در روستاها فعالیت می‌کنند و در گذشته نیز وجود داشت، اما از آنها کاری بر نمی‌آمد.

دکتر عمادی: ضمن تشکر از جناب آقای دکتر شهبازی، جناب آقای دکتر سام آرام و جناب آقای دکتر مهرابی، امیدوارم این محفل و نشست، فرصتی باشد تا از طریق آن بتوانیم ماهیت و موقعیت شوراهای و جایگاه آن را روشن و تبیین کنیم و چالشهایی که معمولاً بعد از انتخابات شروع خواهد شد، شناسایی و مشخص نماییم. به اعتقاد ما مأموریت و مسئولیت اصلی ما در قبال صالحان روستا،

بعد از انتخابات شروع خواهد شد و در آن شرایط ما باید تصویر واضحتر و شفافتری از موقعیتها، مشکلات و حل معضلات جامعه روستایی و مدیریت آنها داشته باشیم. این نشست ان شاء الله بتواند تا حدی این مسئله را روشنتر نماید.

مهندس قرشی: نهادی به نام "شورای اسلامی روستایی" که در اصل سابقه دیرینه‌ای دارد، اما اکنون با یک نظام‌بندی و نظام مدیریتی جدیدی در روستاها در حال شکل‌گیری و تولد است. این نهاد برای اینکه بتواند "کارا" عمل کند، باید سازمان یافته و تعریف شده باشد. برای اینکه این شورا بتواند کارا عمل کند و جایگاه خودش را در نظام مدیریتی، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری روستا، بخصوص در زمینه توسعه روستایی باز کند، چه پیشنهادی دارید؟

دکتر شهبازی: قبل از بحث، لازم است هدف شوراهای بررسی شود. براساس ماده اول در قانون شوراهای، هدف از شوراهای "پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی، پرورشی و سایر امور رفاهی با کمک و همکاری مردم و نظارت بر امور روستاها، بخشها، شهر و شهرکهاست." فعلاً موضوع شهرها و شهرکها و ... مورد بحث ما نیست و بحث ما در مورد روستاهاست. آنچه در مورد "همکاری" در برنامه‌های مختلف بیان شد، متأسفانه روشن نیست که منظور از همکاری چیست؟

آیا مقصود این است که فردی به عنوان عضو دولت در روستا می‌خواهد کاری را انجام دهد، اما چون به تنهایی قادر به انجام آن نیست، از توان جسمی و فیزیکی روستاییان کمک بگیرد و آن کار را انجام دهد؟! یا اینکه منظور این است که از توان فکری، معنوی و روشهای تجربی آنها نیز استفاده کند؟! این موضوع را قانون به وضوح بیان نکرده است و باید از مواردی باشد که تعریف،

توصیف و تفسیر شود تا بیشتر مشخص شود. متأسفانه آنچه تاکنون در مورد یابوری و همکاری مردم سابقه دارد، این است که هر جا مشکل مالی و نیاز اعتباری مطرح بوده است، از مردم دعوت و فراخوانی شده است. اگر مقصود از شوراهای در سطح روستا چنین چیزی باشد، مسئله جدید و تازه‌ای نیست و سابقه‌ای دیرینه دارد. آنچه مهم است اینکه از تجربه‌ها و پیشنهادها، افکار و اندیشه‌های روستاییان برای توسعه روستایی و پیشرفت امور عمرانی-رفاهی روستاها استفاده شود.

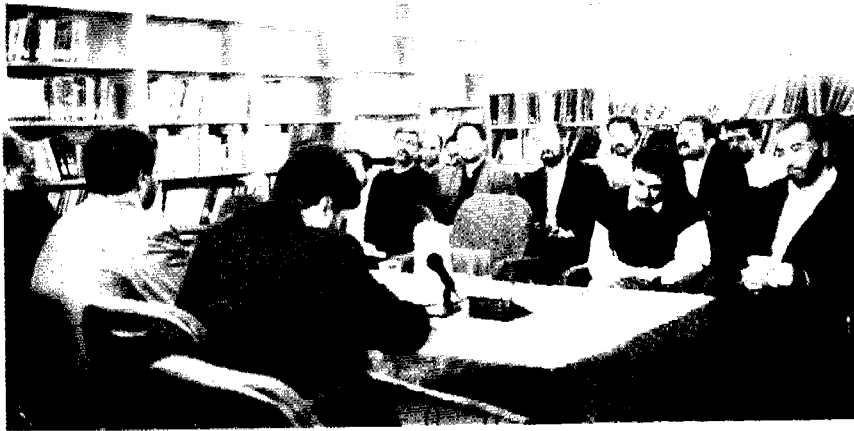
چنانچه تک تک بندهای مربوط به وظایف شوراهای اسلامی و وظایف دهیار بررسی شود، متأسفانه در هیچ کجای آنها نشانی از نظرخواهی و بهره‌گیری از فکر و اندیشه روستایی وجود ندارد و بند اول نیز دچار کمبودهای زیادی است. ان شاءالله به این مسائل توجه شده و در آینده برای اصلاح آن اقدام شود.

دکتر سام آرام: برای کارا عمل کردن، باید به شوراهای فرصت مشارکت داده شود. برای اینکه شوراهای بتوانند مشارکت کنند باید آنها را باور کرد. در گذشته "شوراهای" بیشتر جنبه حضور ظاهری داشته‌اند، اما مردم آنها را باور نداشتند. البته بعد از انقلاب، خصوصاً در ۷-۸ سال گذشته، تا حدی این مشکل مرتفع شده است. متأسفانه ما در مورد مشارکت مردم، تجربه خوبی نداریم. چنانکه تعاونیهای روستایی در کشور ما با انگیزه مشارکت مردم در امور اقتصادی مربوط به خودشان به وجود آمدند و قرار شد که بعد از اینکه مثلاً پس از چند سال (۵-۱۰ سال) زمینه فعالیتها فراهم شد، کارها به خود مردم سپرده شود، اما هرگز چنین اتفاقی نیفتاد. بلکه همواره کارشناسانی از سوی دولت، موظف به اجرا شدند و نگذاشتند تعاونیهای روستایی به مفهوم واقعی آن شکل بگیرد. شاید علت، این بود که کارمندان دولت تصور می‌کردند که اگر کارها به مردم سپرده شود، آنها بیکار می‌شوند. این امر

بزرگترین معضلی است که در نظام اداری ما وجود دارد و سد راهی برای مشارکت مردم می‌باشد. بنابراین اگر دولت بخواهد شوراهای را قیومیت کند و برای هر شورا کارمندی از سوی دولت بر کار آنها نظارت نماید همان کارمند هیچگاه نمی‌گذارد شورا به معنی واقعی آن "شورا" شود و هرگز فرصت ابراز وجود به آنها نمی‌دهد.

شوراهای باید بتوانند در هدف سازی، برنامه‌ریزی، ارزیابی، تشخیص و پیگیری فعالیتها و در همه سطوح، فعالیت و کار کنند. البته در بدو تشکیل ممکن است آنها ظرفیتهای لازم برای این کار را نداشته باشند. اما انگیزه لازم در آنها وجود دارد. به هر حال اگر به آنها فرصت داده شود، ۴-۵ سال دیگر آنها می‌توانند به معنی واقعی، شورایی عمل کنند. لیکن اگر این فرصت به آنها داده نشود، آنها همواره منتظر می‌مانند تا دستوری از بالا برسد و آنها، آن را اجرا کنند.

دکتر همادی: برای اینکه شوراهای بتوانند کارا عمل کنند، باید راهها و روشهای پیش‌بینی شود که به افزایش کارایی شوراهای کمک کند. یکی از این راهها، که در واقع یک مسئله مهم و اساسی نیز هست، این است که مفهوم واقعی شوراهای برای همه افرادی که در این عرصه شریک و سهم هستند، روشن و شفاف



شود. همان طور که آقای دکتر شهبازی نیز اشاره داشتند، در قانون هم مباحث گنگ و مبهم، فراوان است. موضوعهایی چون هماهنگی، همکاری و مشارکت، از مباحثی هستند که کلیت آن بسیار خوب است، اما به صورت جزئی شکافته و مهندسی نشده است و جایگاه آن جزء، در ارتباط با کل، مشخص نیست. هر تعریفی که ارائه می‌شود باید جامع و مانع باشد و مشخص باشد که چه چیزهایی باید باشد یا نباشد و در کجا و در چه موقعیت و منزلتی باید قرار گیرد.

به هر حال جهت افزایش کارایی شوراهای، باید دقیقاً جایگاه شوراهای مشخص و معین شود و مردم روستا، اعضای شوراهای و دولت- به عنوان عامل مدیریت و حمایت‌کننده نظام توسعه روستایی- باید جایگاه خود را بشناسند.

راه و روش دیگری که در مورد افزایش کارایی و کارا عمل کردن شوراهای مطرح است، این است که وقتی که عنصر جدیدی وارد یک عرصه طراحی شده از قبل می‌شود، باید دقیقاً جایگاهی برای این عنصر جدید پیش‌بینی شود. آنچه تاکنون در مورد مدیریت توسعه روستایی و مدیریت تصمیم‌گیری در روستا، در ایران وجود داشته است، مدیریت "اریاب-رعیتی" بوده است. در گذشته "اریاب"، خان و مالک بوده است و در ۴۰ سال اخیر، دولت

روستاها باز شود و تفویض اختیار صورت پذیرد تا برخورد و اصطکاک‌های پیش‌نیامده و بین اختیارات تلاقی به وجود نیاید.

مهندس قرشی: "کارا شدن شوراهای اسلامی روستایی، نیازمند توانمند کردن افرادی است که به عنوان اعضای شوراهای، وارد شوراهای می‌شوند. در حال حاضر ۱۲۴ هزار نفر وارد نظام مدیریتی می‌شوند که هر یک دارای اطلاعات و نگرشهای متفاوتی هستند و اطلاعات و افکار آنها باید از طریق آموزش ساماندهی شود. در این زمینه جناب عالی (آقای دکتر عمادی) چه نظر و پیشنهادی دارید؟

دکتر عمادی: همان‌گونه که عرض شد، حیطه اختیارات و مسئولیتها باید شفاف شود و اجزای قدیمی که عادت به یک نظام یک سویه غیرتعاملی داشتند، اکنون باید به صورت شورایی یا ترکیبی از عناصر جدید مردم، نماینده مردم و دولت تصمیم گرفته و تصمیمها را اجرا کنند. این عناصر باید برای این تغییر آماده شوند.

دولت باید قدری از جایگاه اربابی خود پایین بیاید. به قول جناب آقای دکتر سام آرام، تعاونیهای روستایی تجربه بسیار منفی در جامعه ما هستند. در مورد "تعاونیهای روستایی" ما یک شیوه‌ای را براساس نوع تفکر و شرایط غرب (انگلیس)، بدون هیچ‌گونه هماهنگی با فرهنگ و شیوه‌های ایرانی، به ایران منتقل کردیم و اکنون حدود ۴۰ سال از آن می‌گذرد، اما هنوز هم دولت نقش قیم را ایفا می‌کند و در واقع این سیستم را از طریق حمایتها و پرداخت یارانه می‌چرخاند. بنابراین اگر بخواهیم مشارکت واقعی ایجاد شود، باید اختیارات خودمان را که در حقیقت به دلسوزیهای مادرانه شبیه است را کاهش دهیم. ممکن است هدف ما این باشد که این عنصر جدید (شورا) ضربه نخورد، لذا در همه موارد دخالت کنیم، در حالی که هر رشدی در



دیگر وزارتخانه‌ها و سازمانهایی که نقش تصمیم ساز داشته‌اند، راحت و قابل هضم نیست. بنابراین برای اینکه شوراهای بتوانند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کنند و اختیارات لازم را داشته باشند، باید از لحاظ قانونی، جایگاه آنها مشخص و معین باشد و حدود تفویض اختیار نیز کاملاً روشن و تعیین شده باشد تا دو عنصر اصلی مدیریت توسعه روستایی، یعنی مدیریت درون روستا و مدیریت دستگاههای دولتی متولی امر توسعه روستایی بتوانند هماهنگ و متعادل باهم فعالیت نمایند. در غیر این صورت شوراهای اسلامی روستایی به چوب لای چرخ دنده سیستم متمرکز برنامه‌ریزی گذشته تبدیل شده و طبیعی است که بعد از مدتی دستگاههای دولتی - سنتی معترض خواهند شد. با توجه به این مسئله، چنانچه جایگاه واقعی شوراهای و وظایف و اختیارات آنها روشن نشود، این شوراهای نه تنها نمی‌توانند نظام شورایی را متحول نمایند، بلکه در چرخ دنده سنتی خرد خواهند شد و مابقی چرخ‌دنده‌های تصمیم‌گیری در مملکت را نیز تحت تأثیر قرار خواهند داد.

بنابراین، اولاً باید جایگاه شوراهای اسلامی روستایی دقیقاً معلوم و شفاف شود و دوم اینکه، از بعد کارکردی، باید جایگاه آن در ارتباط با مابقی اجزای نظام تصمیم‌گیری در

نقش ارباب را ایفا کرده است، اما ماهیت ارتباط، همان ماهیت ارتباط یک سویه یعنی "حاکم" مالک یا دولت و "محکوم" نیز روستاییان بوده‌اند. در حال حاضر و بر مبنای قانون اساسی تصمیم بر این است که این الگو و مدل دگرگون شود. برای تحول در این مدل باید دقیقاً چگونگی تغییر تمامی اجزاء و نحوه ارتباط سیستم پیش‌بینی شود. در گذشته ارباب یا دولت، تصمیم ساز و تصمیم‌گیرنده بوده و اکنون نظر بر این است که این اختیار به مردم داده شود. برای تحقق این ادعا (تفویض تصمیم‌گیری از سوی دولت به مردم) حتی در حد کلام، باید جایگاه هر سازمان و نقش دولت و افراد کاملاً مشخص شود. لذا باید دقیقاً مشخص شود که در این تغییر و تحولات، دستگاهها و سازمانهای مربوطه دولتی چه کاری می‌خواهند انجام دهند؟ در سازمان برنامه و بودجه روال عملیات، دیگر نمی‌تواند مانند سابق باشد، زیرا بر اساس بند اول قانون اختیارات شوراهای اسلامی روستایی، باید اعلام نیاز و برنامه‌ریزی توسط شوراهای انجام شود. لذا بر اساس این بند از قانون، عرصه قدرت و اختیارات سازمان برنامه و بودجه مملکت - که تا قبل از اجرای قانون شوراهای، تصمیم‌گیرنده اصلی و نهایی بوده است - تنگ و محدود می‌شود. طبیعتاً این مسئله، برای سازمان برنامه و بودجه و

طبیعت، از طریق استقلال و آزادی به وجود می‌آید. البته هر استقلالی، با ضایعاتی نیز همراه است. چنان که اگر جراحی صورت گیرد، طبیعتاً خونریزی هم دارد و جراحی بدون خونریزی ممکن نیست. به هر حال باید اغماض کرد و گذشت نمود، مانند مادری که بچه خود را پس از دو سال از شیر می‌گیرد. اگر مادر، دلسوزی بیش از اندازه داشته باشد و فریب‌گریه و ناله کودک را بخورد، مجبور است تا آخر عمر به او شیر بدهد، اما اگر گریه‌هایش را تحمل کند و او را از خود جدا کند تا روی پای خودش بایستد، او رشد می‌کند و راه صحیح تغذیه به غیر از شیر خوردن را می‌آموزد و به آن عمل می‌کند. در تجربه‌های دولتی ثابت شده است که ما در این زمینه (استقلال بخشیدن) ضعیف بوده‌ایم، یعنی سعی کرده‌ایم دلسوزانه و تا آخر عمر به فرزندان شیر بدهیم تا صدای گریه‌اش به گوش نرسد. در واقع به نوعی فکر کرده‌ایم که اگر به مردم اختیار بدهیم، از قدرت اربابی ما کاسته می‌شود، لذا تلاش کرده‌ایم تا به آنها اختیار و استقلال ندهیم. به هر حال دولت باید بسیاری از اختیارات و مسئولیتهایی که قابل تفویض به شوراهاست، به آنها انتقال دهد و این حق قطعی مردم است.

اما مسئله دیگر خود مردم هستند، بیش از ۲۵۰۰ سال و به گفته‌ای، ۴ هزار سال مردم، نظام ارباب - رعیتی را تحمل کرده‌اند و آن را به عنوان یک الگوی رفتاری و معرفت‌شناسی پذیرفته‌اند که دیگران برای آنها تصمیم‌گیری کنند. از طرفی نیز آنها با نهادهای جدید تصمیم‌گیری در مملکت آشنا نیستند و آشنایی آنها نیز صرفاً از منظر مخاطب و بهره‌بردار است نه مشارکت‌کننده.

این تغییر و تحولات در بعد رفتاری، بینشی و مهارتی نیازمند "آموزش" است. البته منظور از آموزش، فقط به طریق سنتی کلاس درس و معلم و شاگردی نیست، بلکه این آموزش باید در قالب تعاملی ارائه شود.

شوراها و مردم روستا باید به مسئولیتهایی که دارند، واقف شوند و شرایط جدید شورایی طبعاً مسئولیتهای جدیدی را می‌طلبد که بسیار وسیعتر و فراتر از مسئولیتهای قبلی آنان به عنوان "مخاطب، مصرف‌کننده و بهره‌بردار" از امکانات می‌باشد. بنابراین مسئولیت و نقش "آموزش" و "حمایت" که نقش ارشادی است، همچنان برای دولت خواهد ماند.

تجربه مثبت و سازنده کره جنوبی در مورد "مدیریت رهبران محلی"، مؤید این نکته است که آنها علت اصلی موفقیت خود را در نهضت ساموئل آندونگ (جنبش نوسازی روستا) در آموزش، تعلیم و تربیت رهبران روستایی می‌دانند نه حمایت‌های دایم دولتی بی‌چون و چرا.

آنها رهبران روستایی را آموزش دادند و این رهبران هسته اصلی نهضت شده و موتور توسعه در مناطق روستایی کره جنوبی را به حرکت درآوردند. به هر حال بحث "آموزش" از مباحث بسیار مهم و کلیدی است که باید پیگیری شود، اما باید راه‌ها و روشهای مبتکرانه و خلاقانه را جستجو نمود تا بتوان به صورت مفیدتر و با کیفیت برتر به شوراها و مردم روستایی ارائه نمود و آموزشگران باید ارتباط مناسبی با اعضای شوراها و مردم روستایی برقرار کنند تا در این زمینه موفق باشند.

دکتر سام‌آرام: در ضرورت آموزش و ترویج هیچ شکی نیست. اما به نظر من در این دوره‌های آموزشی، باید سه گروه زیر پوشش قرار گیرند؛ ۱- روستاییان، ۲- اعضای شوراهای روستایی، ۳- کارشناسان و مسئولینی که وظیفه ارتباط و کارکردن با این افراد را به عهده دارند.

البته شیوه‌های آموزشی هم باید بازسازی شوند. در آموزش، برای اینکه مانعی برای کار شوراها و توسعه نباشد، باید شیوه آموزش حساسیت‌زدایی به کار گرفته شود. آموزش و تدریس باید نقش اساسی در از بین بردن

اختلافات داشته باشد، چرا که برای روستاییان هنوز حل نشده است که به ارباب نیازی ندارند.

علاوه بر این شورا نباید "ارباب جدید" باشد. در بعضی جاها من شاهد بوده‌ام که اعضای شورا فقط یک نفر بوده است که همان فرد، نقش ارباب را بازی می‌کرده است. بنابراین روشهایی که از این قضاها حساسیت‌زدایی کنند می‌توانند کارایی داشته باشند. برای آموزش و ترویج در این زمینه، می‌توان از ابزاری با پوشش وسیع و سریع، همچون صدا و سیما استفاده کرد و کمک گرفت.

دکتر شهبازی: جهت افزایش کارایی شوراهای اسلامی روستایی، باید اولاً؛ بدون تعارف و وظایف شوراهای اصلاح شوند و اشکالات موجود برطرف شود. بر اساس این وظایف، اعضای شوراها می‌توانند اقدامهایی را انجام دهند. اما برای اجرای این اقدامها و تصمیمها هیچ گونه ضمانت اجرایی وجود ندارد. همین امر می‌تواند تا حد زیادی مردم را مأیوس کند. این امر خطراتی را دربردارد. چنان که اگر شورا تصمیمی را بگیرد، اما نتواند آن را اجرا کند، چنانچه به حقانیت آن معتقد باشد، به خاطر اجرای تصمیمها و خیرخواهی، چه بسا که به سازمانها و افرادی که حسن نیت ندارند، متوسل شود.

اگر قرار باشد نظر مردم پرسیده شود، اما پشتوانه اجرایی نداشته باشد، چه ضرورتی دارد شوراهای تشکیل شوند. حالا هم می‌توان بدون هزینه‌های مربوط به شوراها، از نظرهای مردم مطلع شد. هر کدام را که خواستیم، اجرا کنیم و اگر دلمان نخواست اجرا نکنیم. چنانچه این اشکالات رفع نشوند، اعضای شوراهای اسلامی روستایی مجبورند برای اینکه ثابت کنند در دوران تصدی آنها کاری انجام شده است، به سازمانها و افراد مختلف متوسل شوند.

اشکال دیگری که در مورد شوراهای

اسلامی روستایی وجود دارد، این است که در قانون تفاوت بین اصول و موازین و نحوه انتخاب اعضای شورای اسلامی روستایی با ۲۰۰ خانوار و شهری پرجمعیت مانند تهران با چند میلیون خانوار، در نظر گرفته نشده است. در شهرهای بزرگ معمولاً مردم نخبه‌ها و افراد مورد اعتماد را نمی‌شناسند، لذا باید از آرای عمومی و به صورت کتبی استفاده شود. اما آیا در روستاها نیز مردم افراد نخبه و مورد اعتماد خود را نمی‌شناسند و باید از شیوه آرای کتبی استفاده شود؟

به نظر من این شیوه، یک اشکال را به وجود می‌آورد که در روستاها، کسی که می‌خواهد در مدیریت مطرح شود و احتمالاً یک مقدار دید سیاسی هم دارد، سعی می‌کند در انتخابات وارد شود، در حالی که ممکن است او فرد نخبه و خبره‌ای برای کار داوطلبانه نباشد و نتواند وضعیت و امکانات روستا را اصلاح کرده و توسعه دهد. از طرفی افرادی که واقعاً نیت خیر دارند و مایل به تلاش و فعالیت هستند و راهکار خدمت و فعالیتها را می‌دانند، از ترس اینکه مبادا رأی نیاورند و حیثیت چندین ساله آنها در محیط کوچک روستا در خطر قرار گیرد، وارد نمی‌شوند. بنابراین، این شیوه انتخابات در روستاها صحیح نیست. نکته دیگری که در کارایی شوراها می‌تواند مطرح شود، این است که روال تصمیم‌گیری اصلی و اساسی بر عهده اعضای شوراها، یعنی روستایی نیست. اعضای شوراها به عنوان و به قصد کمک، همکاری و فراهم آوردن زمینه تدارکات در خدمت روستا و شوراها هستند، اگر تصمیم‌گیرنده و اجراکننده نباشند، باید همیشه منتظر بمانند تا کسی از جانب دولت بیاید و بگوید من می‌خواهم برای شما کاری انجام دهم، پس شما امکانات و زمینه را فراهم کنید، همیاری و همکاری مردم را جلب کنید و کمکهای مالی جمع کنید و ... و چنانچه کسی از طرف دولت نیامد، خود مردم تقاضا کنند و شرایط را فراهم کنند. در این صورت هم ضمانتی وجود



ندارد که مورد قبول مسئولان ذی نفع قرار گیرد.

به هر حال نظام برنامه‌ریزی متمرکز باید تغییر و تحول پیدا کند، در غیر این صورت این اشکالات وجود خواهند داشت.

مهندس قرشی: با تشکیل شوراهای اسلامی روستایی، ما می‌خواهیم نظام برنامه‌ریزی فعلی را که تمرکزگراست، به نظام برنامه‌ریزی مشارکتی تغییر داده و متحول کنیم. به نظر شما چگونه می‌توان چنین شرایطی را فراهم نمود؟

دکتر سام‌آرام: ما تصمیم داریم که نظام از بالا به پایین را به نظام از پایین به بالا تبدیل کنیم. لیکن مشکلی در انتقال اطلاعات روستا به سازمان برنامه و بودجه وجود دارد. واقعیت این است که اینها باید زبان بکدیگر را یاد بگیرند. یعنی یک مقدار روستایی باید با زبان برنامه‌ریزی آشنا شود و یک مقدار هم سازمان برنامه و بودجه باید زبان روستایی را بفهمد و با او همدلی کند. یعنی خود را جای روستایی بگذارد. روستایی نیازهای خود را تشخیص

می‌دهد، لذا او باید نیاز خود را مطرح کند و افرادی که با روستایی کار می‌کنند و سالها در روستا بوده‌اند، باید آن را به زبان خاص برنامه‌ریزی ترجمه و تبدیل کنند. عمده‌ترین مشکل برنامه‌ریزی ما این است که سازمان برنامه بیشتر حرف می‌زند تا گوش فرا دهد. به هر حال گوش دادن کار سختی است و در فرهنگ ما نیز جا نیفتاده است. اما کسی که می‌خواهد به مردم خدمت کند باید اول به حرف آنها گوش دهد و بعد حرف بزند. به هر حال با گوش شنوا و نرم‌افزار مناسب باید به حرف روستاییان گوش داد تا بتوان به برنامه‌ریزی مشارکتی دست یازید. البته بخشی از این مشکل به ماهیت شوراهای روستایی باز می‌گردد و طبیعی است که در این دوره ما با مشکلاتی رو به رو باشیم. زیرا هنوز مردم روستایی اعتماد لازم را برای این انتخابات ندارند. لذا ممکن است خیلی مشارکت نکنند. اما یک دوره که بگذرد، رهبران محلی بیشتر جلو آمده و مشارکت خواهند کرد. در حال حاضر به نظر من فقط ۵ درصد از روستاییان پیشقدم شده‌اند و از این تعداد نیز ۹۰ درصد افرادی هستند که واقعاً "رهبر" نیستند و تنها

تعداد اندکی از آنها می‌توانند رهبران واقعی و فعال باشند. اگر ان‌شاء‌الله در آینده، نماینده‌های واقعی مردم، پیشگام شوند، نظام برنامه‌ریزی با مشکل کمتری مواجه خواهد شد.

مهندس قرشی: ضمن تشکر از آقای دکتر مهربانی، چنانچه در مورد این سؤال نظری دارید، بفرمایید.

دکتر مهربانی: بسم‌الله الرحمن الرحیم. ما در زمینه شوراهای تجربه کمی داریم. اما باید این تجربه را آغاز کنیم. حتی اگر مردم در امر شوراهای در مرحله اول و دوم اشتباه کنند و افراد صالح و کارایی را انتخاب نکنند و یا افرادی به عرصه انتخابات بیایند که با روش صحیحی وارد جریان نشده باشند، اما به هر حال اصل قضیه خوب و ضروری است و باید این تجربه صورت گیرد. باید به روستاییان اجازه داده شود که خودشان راهشان را انتخاب کنند و ما از پیش برای آنها تعیین تکلیف نکنیم، به گونه‌ای که مانند گذشته، دولت جای ارباب را بگیرد و به آنها بگوید چه بکنند و چه نکنند.

اما دولت و صاحب‌نظران نیز وظیفه‌ای دارند. آنها باید نقش تسهیل‌کننده و کمک‌کننده داشته باشند تا این طفل متولد شده بتواند راه رفتن را بیاموزد و سپس روی پای خودش بایستد و در آینده همه کارهای مربوط به خودش را انجام دهد. این کاری بسیار ظریف است و بسیار هم صبر و حوصله می‌خواهد. طبیعی است که اشتباهاتی نیز بشود. البته به نظر من، بیشتر مواقع اشتباه نخواهند کرد. در یک روستا، افراد معتمد محل به خاطر نداشتن سواد وارد صحنه نشدند، اما با توافق اینها، مردم، افراد دیگری را که باسواد بوده و مورد اعتماد معتمدان و رهبران محلی بودند، انتخاب کردند. به هر حال باید به عقل و شعور عمومی مردم احترام گذاشت و به آن اهمیت داد.



نکته دوم اینکه، چنانچه مردم موفق شوند در مملکت شوراهای را تشکیل دهند، دستگاه اجرایی نیز در وضعیتی قرار می‌گیرد که باید با آن هماهنگ شود. در غیر این صورت زیر سؤال برده می‌شود.

البته بعد از تشکیل شوراهای - چه در شهر و چه در روستا - از لحاظ قانونی و روش اجرا ابهامهای زیادی وجود خواهد داشت. اما تجربه‌ای است که باید شروع شود و در آینده برای رفع ابهامها باید راهکار پیدا کرد. شوراهای بر خلاف آنچه باب و مرسوم شده است تنها یک ارگان سنتی نیستند و موظف نیستند که صرفاً مسائل اقتصادی یا اجتماعی را ببینند و در پی رفع مشکلات رفاهی باشند. بلکه در شوراهای ممکن است افرادی باشند که عضو انجمنی بوده و آن را نمایندگی کنند. مثلاً انجمن صنفی گندمکاران منطقه آذربایجان یا انجمن پرورش دهنده گوسفند در آذربایجان و ... این افراد اگر چه از لحاظ صنفی دامدار و دامپرور هستند، اما چون مورد قبول و اعتماد مردم هستند، آنها را انتخاب می‌کنند. به هر حال شورا، جایی است که در آن افراد صنفی یا مستقل مورد اعتماد وجود دارند. البته این شوراهای وظایفی هم به عهده دارند. در بسیاری از مناطق، رئیس شورا، شهردار محل هم می‌باشد یا وکیل منطقه نیز هست. به هر حال به شوراهای باید اجازه داده شود که وارد میدان تصمیم‌گیری شوند و تا حدی نیز باید از پیش داوری خودداری کرد و تا جایی که ممکن

است، دولت باید به کمک مردم بشتابد و این حرکت را پیش ببرد.

در این مورد مسئله‌ای که برای دولت سنگین است، این است که شورا هم قدرت تصمیم‌گیری سیاسی و هم قدرت تصمیم‌گیری اقتصادی داشته باشد، چرا که در این صورت تصمیم‌گیرندگان دولتی نمی‌توانند در دفتر کار خود بنشینند و طرحی را برنامه‌ریزی کرده و بر اساس آن بودجه دریافت کرده و خرج کنند. به نظر من شوراهای باید در تمام امور مربوط به خود دخالت کنند و دولت نیز در جای دیگری، با نقش مهمتر و اساسیتر حضور پیدا کند.